

ه‌امش‌ه‌ار نی‌

■ حضرت امیر المؤمنین علی:
ریاکار، ظاهرش زیبا و باطنش بیمار است.

■ اذان ظهر: ۱۲:۰۱ ■ غروب آفتاب: ۱۹:۰۶
■ اذان مغرب: ۱۹:۳۶ ■ نیمه شب شرعی: ۲۳:۱۱
■ اذان صبح فردا: ۳:۱۵ ■ طلوع آفتاب فردا: ۴:۵۵

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: محسن مهدیان
■ سردبیر: دانیال معمار

■ پذیرش آگهی:
■ تلفن: ۸۳۲۲۱۰۰۰

■ توزیع و اشتراک:
■ موسسه نشر گستر امروزین
■ تلفن: ۶۱۹۲۳۰۰۰

■ چاپ: همشهری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (ج)، کوچه شهید سیدکمال فرینی، شماره ۱۴
■ کدپستی: ۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶
■ تهران، صندوق پستی ۱۹۶۹۵/۵۴۴۶
■ تلفن: ۲۳۰۳۰۰۰، ۲۳۰۴۶۰۰۰، ۲۳۰۴۶۰۰۰

■ همشهری: www.hamshahrionline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

صفحه آخر

پروبه کار خودای واعظ این چه فریادست
مراقبت دل از ره، تورا چه افتادست؟

حافظ

درباره نشریه «توفیق» که امروز ۱۰۰سالگی آغاز انتشار آن است



توفیق طنازی
حمیدرضا محمدی

درست یک سده پیش بود که نخستین شماره جریده «توفیق»، به همت حسین توفیق، در روز یکشنبه، سی‌ام اردیبهشت ۱۳۰۲ و به بهای گشاهی به طبع رسید و امروز، یک صدمین سال آغاز انتشار آن است.

مطبوعه‌ای که یک جریان بود و در شوخی‌نویسی و شوخی‌نگاری جریان ساز، خلیج‌ها را در دامان خود پرورد و بسیاری خود را مدیون و مروهون آن می‌دانند. کسانی که بعدها در میان طنز نویسسان و کتاهی‌نگاران و همچنین کار یکا‌توریست‌ها و کار نویس‌ت‌ها سری در سر‌ها را آوردند و کسی برای خود شدند. سرآمدشان کیومرث صابری قومی‌ن بود که پس از انقلاب، «گل‌آقا»، منتشر کرد و از جمله دیگر کسان، منوچهر احترامی، عمران صلاحی، ناصر پاک‌شیر، احمد عربانی، کامبیز درم‌بخش، احمد عبداللّی‌ن و غلامرضا کیانی‌ر شید بودند.

عمران صلاحی در وصف مکتب بودن توفیق چنین نوشته است: «توفیق برای من فضای خیلی خوبی بود. خیلی یاد گرفتم. با زبان مردم آشنا شدم و با ضرب‌المثل‌ها و لطیفه‌ها، و یعنی به‌نوعی کارم صیقل خورد. این است که من واقعاً مدیون‌شان هستم. توفیق در واقع مثل مکتبی بود که از داخلش خیلی‌ها بیرون آمدند. توفیق که انتشار خود را با شعار «مِن‌الله التوفیق و علیه التکلان» و به‌نوعی مانیفست «نامه توفیق به استعانت حق و حقیقت و پشتیبانی عناصر صالح و پاک، برای روشن کردن فکر طبقه سوم و دفاع از حقوق آنان، با مسکلی ثابت، می‌رود تا قدم در دایره مطبوعات بگذارد» شروع کرد، ۴۸ سال و در ۱۴ دوره خنده بر لبان مخاطبان و خوانندگان‌شان نشان داد توفیق، آخرین گردانندگان‌ش بودند: حسن، صاحب‌امتیاز و مدیر: حسین، سردبیر و مدیر چاپ‌خانه: و عباس، رئیس هیأت تحریریه. تا آنکه در روز پنجشنبه، ۱۰ آذر ۱۳۵۰ که آخرین شمارا‌ش به قیمت ۱۰ ریال نشر یافت، به تیغ تیز توقیف گرفتار آمد و برای همیشه به محاق رفت. اما این ۴ برادر در این بیش از نیم‌قرن، از پای ننشستند و پرچم توفیق را در اذهان و افکار مردم بالا نگاه داشتند و کوشیدند با نشر کتاب و مقاله، نسل جدید را با آن نشریه آشنا سازند. در این میان یکی از مهم‌ترین اتفاقات، اهدای گنجینه توفیق و افتتاح موزه آن در مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی در ۱۴ آذر ۱۳۹۸ بود و اکنون آخرین‌شان، عباس توفیق، با همکاری بیژن اسدی‌پور، یادبود نامه ۱۰۰ سالگی آن شماره‌اول را منتشر کرده است تا طنز نویسان و کار یکا‌توریست‌های جدید بتوانند و بدانند که «توفیق» چه بود و چه کرد؛ از نخستین دفتر در خیابان سیدنا‌ص‌الدین تا آخرین مقر در خیابان استانبول، شماره ۱۲۸.

قصه شهر

دیوارها در جهان‌نقاشی



مریم ساحلی

دیوار‌هایی‌توانند در اعماق زمستان از بهار نشان داشته باشند، یا نه در شلوغی‌های عصر هنگام شهر، ما را به تماشای دهکده‌ای در درست‌ها ببرند. خیال یک یک سید بزرگ‌بی‌حوصلگی‌را گرفته‌باشی‌توی دست‌واره افتاده باشی در شهر به مقصد نمی‌دام کجا خیال کن دلت گرفته باشد از آدم و عالم و نگاهت راهی‌ی‌ب‌دزی‌از عیار‌ها، اما دیوار‌ها در برابر چشمات باشند، دیوار‌های که که از جهانی‌تماشایی‌نشان داشته باشند. جهانی‌که از سرانگشتان نشان‌ش‌ره کرده باشد. دنیایی‌که از خیل هنرمندان راه کشیده باشد به دیوار‌ها. لابد دیده‌اید بعضی دیوار‌ها قشنگند، آن قدر قشنگ که باید یک دل سیر تماشا‌ی‌شان کرد. وقتی گربه بازگوش محل نگاهش را می‌دوزد به ماهی قرمز درون حوض فیروز‌زای نقش‌بسته به دیوار، می‌شود لبخند را در چهره رهگذران دید. واقعیت این است که زیبایی شهر‌ها همیشه در گرو اجرای طرح‌های پرهزینه و دشوار نیست. یک وقت‌هایی با کمی همت و ذوق می‌شود جرع‌های طراوت به شهر و اهالی‌اش بخشید. بی‌تردید نقاشی در دیوار‌های شهر‌ها یکی از همین اقدامات است که با مشارکت مردم و شهر‌داری‌ها می‌تواند بر قشنگی شهر‌ها بیفزاید. دیوار‌هایی‌توانند طبیعی‌نظیر تالاب‌ور‌یا‌همه‌بی‌توجهی‌ها همچنان منظری بدیع در آن هستند و چون سر می‌چرخانی سمت بالا، در زیبایی‌پرواز پرندگان دریایی غرق می‌شوی. آری نقاشی‌های دیواری‌انزلی‌را زیباتر می‌سازند. چنان‌که این روز‌ها شهر‌داری‌این شهر ساحلی اعلام کرده، در نظر دارد به‌منظور زیباسازی فضای شهری، با رضایت مالکان املاک روی دیوار‌های معابر شهری نقاشی دیواری اجرا کند. لذا آنها که علاقه‌مند به اجرای نقاشی دیواری بر دیوار ملک‌شان هستند، می‌توانند درخواست‌شان را به‌صورت مکتوب به واحد سیما، منظر و فضای سبز شهر‌داری‌انزلی ارائه کنند.

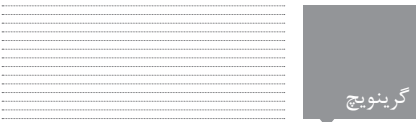
فرهنگ و زندگی



رفاقت با توستان

تهران اردیبهشت و خرداد، شهری است که طعم توت می‌دهد. در خت‌ان بر سایه‌ای که از آب و هوای خوش گذشته‌های این پایتخت ۲۰۰ ساله حکایت می‌کنند؛ زمانی که تهران، این شهر پربها‌هو و شلوغ امروزی، باغی بزرگ بود و خانه‌هایش هم به پیروی از الگوی شهر، خانه‌باغ بودند؛ روز‌هایی که سراسر شهر کوه‌پایه‌نشین‌البرز، توستان بود و مردمانش به نیت نذر، درخت توت می‌کاشتند. درختان فراوان توت تهران خاطره‌های زیادی را به یاد می‌آورند. روز‌های بهار در کوچه‌باغ‌های قدیمی تهران و توستان‌های طر‌شست، کن، فرحزاد و... مردمان آن روزگاران، کاشت درخت توت را آیینی نیکو می‌پنداشتند و فکر می‌کردند هدیه توت به رهگذران، گناهان‌شان را خواهد شست و رحمت درگذشتگان‌شان را در پی خواهد داشت. تاریخ را که وامی‌کاو، به درخت توت روسستانی آدینه لواسان می‌رسی که دست‌کم ۵۰۰ سال پیشینه دارد و سرانجام، تصویر جذاب شهر‌وندانی‌را به یاد می‌آوری که با شروع اردیبهشت‌ماه در جای‌جای این شهر بزرگ، زیر درختان توت، روی نوک پا بلند می‌شوند و دانه‌دانه توت‌های شیرین را پیش از افتادن روی زمین، می‌چینند. تهران در کنار چنار‌ها و انار‌هایش، در گذشته به توستان‌هایش هم شهره بود؛ توستان‌هایی که با آغاز فصل بهار، رونق و

توت درختان میوه‌ای است که در بهار و تابستان می‌دهد.



نجات با تیر کمان سنگی



تیر کمان‌های سنگی، معمولاً ابزار در دسر ساز و شیطن ت پسر بچه‌ها هستند، اما یک نوجوان ۱۳ ساله در امریکا، به‌خاطر استفاده ماهرانه از این وسیله بازی، به یک قهرمان تبدیل شده است. ماجرا از این قرار است که این پسر، با استفاده از تیر و کمانش، جلوی ربه‌ود شدن خواهرش توسط یک آدم‌بر‌ا را گرفته است.

خواهر ۸ ساله او در پشت حیاط خانه به دنبال قارچ بوده که یک مرد ناشناس، از جنگل به سمت او یورش می‌برد و تلاش می‌کند او را برباید. این پسر هم بعد از دیدن این اتفاق، شروع به شلیک قله‌و سنگ به سمت مهاجم می‌کند و چند سنگ را به سر و سینه او می‌زند. شدت ضربه‌ها چنان بوده که این مهاجم فرار می‌کند؛ هر چند بعداً توسط پلیس در مخفیگاهی جنگلی دستگیر می‌شود. انتشار خبر این عمل قهرمانانه، این پسر را حسابی معروف کرده و حتی پلیس میشیگان هم در پیانه‌ای، از او تمجید کرده است.

کاناپه پرنده



در کارتون‌ها، پرواز هر چیزی در آسمان شدنی است، اما آیا در دنیای واقعی ممکن است پرواز اسباب‌خانه را در آسمان ببینیم؟ دست‌کم جواب آن در ترکیه، بله است. رسانه‌ها خبر داده‌اند که در یک روز توفانی در آنساکرا که مردم دنبال سر پناه بوده‌اند، پرواز یک جسم عجیب و بزرگ در آسمان، توجه‌های زیادی را به‌خود جلب کرده بود. تعجب مردم وقتی بیشتر شد که متوجه شدند شیء پرنده، در واقع یک کاناپه است. یک شهروند، تصویری از این کاناپه پرنده گرفته و در شبکه‌های اجتماعی منتشر کرده که دنیا را به‌خود مشغول کرده است. اوانا کالماز می‌خواسته از پنجره ماشینش نگاهی ببیند‌ازد که متوجه کاناپه در آسمان شده و از آن فیلم گرفته است. این کاناپه به گفته او، قبل از سقوط در یک باغ، با چند ساختمان برخورد کرده است. البته خوشبختانه سقوط آن، به هیچ‌کس آسیب وارد نکرده است.

نجات معجزه‌آسای کودکان



گم شدن در جنگل‌های استوایی، آن هم بعد از سقوط هواپیما، می‌تواند پیامدهای مرگباری برای هر انسانی داشته باشد؛ چه برسد به بچه‌ها. اما آنچه‌که از جامعه بومی‌های کلمبیا هستند، ۲ هفته بعد از سقوط هواپیما‌یشان، زنده پیدا شدند و نزد خانواده‌هایشان برگشتند. خبر سقوط هواپیما‌ی آنها، به یک فاعه‌ملی در کلمبیا تبدیل شده بود و رسانه‌های جهان هم به آن توجه زیادی نشان دادند. پیگیری‌ها در آن حد بود که رئیس‌جمهور کلمبیا، شخصاً خبر مسرت‌بخش پیدا شدن این بچه‌ها را به مردم کشورش اعلام کرد. او گفته است که نیروی هوایی کشورش بعد از تلاش‌های بی‌وقفه، سرانجام این بچه‌ها را پیدا کرده است. علاوه بر نیروهای ارتش، آتش‌نشانان و نیروهای داوطلب مردمی هم در دل جنگل به‌دنبال این کودکان بودند. این هواپیما ۷۳ نفرشین داشت، اما ۳۱۳ گنسال دیگر، جان‌شان را در سانحه از دست دادند. این کودکان که ۹، ۱۳، ۴، ۹، ۱۱ ماهه هستند، بعد از سقوط، به حال خود رها ماندند و تصمیم گرفتند محل سانحه را رها کنند و به امید پیدا کردن کمک، در دل جنگل پیش رفتند. آنها در این مدت، از میوه‌های جنگلی خورده و سرپناه‌های دست‌ساز ی با استفاده از یک قیچی، بندهای کفش، چوب و برگ درختان درست کرده بودند.